

عنوان مقاله:

فرآیند تجمعی تغییر سیاست و ناسازگاری پارادایمی: موردکاوی صنعت برق انگلستان

محل انتشار:

اولین کنفرانس حکمرانی و سیاستگذاری عمومی (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 5

نویسندگان:

سیدمحمدصادق امامیان

علی ملکی

نجم الدین یزدی

خلاصه مقاله:

چارچوب نظری ایتلاف مدافع ملی شناخته شده برای دسته بندی محرک های تغییر سیاست است. با این وجود چارچوب مذکور، نوع، فرآیند و شدت تغییرات سیاستی منتجه را مورد بررسی قرار نمی دهد. مطالعه موردی پیش رو مبتنی بر تحلیل محتوای 250 پاسخ مشاوره ای دریافتی توسط دپارتمان انرژی و تغییرات اقلیمی انگلستان طی فراهوان 2010، بررسی مطالعات و گزارش های ثانویه و 53 مصاحبه نیمه ساختاریافته به بررسی نوع و شدت تغییرات سیاست صنعت برق انگلستان طی بازه 2000-2012 می پردازد. نتایج نشان می دهد که این ادراک از رویدادها (بیرونی و درونی) و نیز توازن ایتلاف ها است که منجر به تغییر سیاست می شود و نه صرفا ماهیت یا شدت رویدادهای بیرونی و درونی. همچنین پس از ادراک و پذیرش ذهنی شکست یک سیاست، عناصر آمیزه سیاستی گسسته از هم، به تدریج و طی زمان تغییر داده می شوند. در این تحقیق مشاهده شد که صنعت برق انگلستان پس از پذیرش ذهنی شکست سیاستی ابتدا به سراغ تغییر اهداف سیاستی، سپس به سراغ تغییرات نهادی، در ادامه به سراغ تغییر در ابزارهای سیاستی و در نهایت به فکر تغییر پارادایم سیاست می افتد. این موضوع سبب شده تا عناصر مختلف سیاست صنعت برق انگلستان از قبیل پارادایم، ابزار، نهادها، اهداف و راهبردها در طول زمان ناهمگن و بعضا متضاد با هم شوند به طوری که پس از بیش از یک دهه شاهد پذیرش ابهام و ناسازگاری پارادایمی سیاست مربوطه باشیم. از جمله دلالت های سیاستی این پژوهش می تواند تاکید بر لزوم توجه به جمیع عناصر آمیزه سیاستی (به خصوص پارادایم سیاستی) در زمان تغییر سیاست باشد تا ناهمگنی تدریجی و فزاینده میان عناصر آمیزه سیاستی کاهش یابد.

کلمات کلیدی:

تغییر عمده سیاست، ادراک از سیاست، ابعاد آمیزه سیاستی، پارادایم سیاستی، انرژی برق

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/801065>

